

عبدالرفیع حقیقت (رفیع)

نهضت‌های ملی ایران

(۹۶)

ظهور و تأسیس دولت غزنویان

در دوره حکومت عبدالملک سامانی یکنفر غلام ترك بنام آلپتکین فرمانده کل نیروی خراسان گردید و بعد از مرگ عبدالملک به کوه‌های سلیمان در غزنه که در آنجا پدرش فرماندار بود رفت، و در همان حوزه، کوچک به فرمانروائی پرداخت. این مرد و پسرش و نیز غلام وی بلغ تکین هر کدام به نوبت ولی در اربهام و گمنامی حکمرانی کردند. موسس واقعی سلسله معروف غزنویان که در صحنه سیاست ایران نقش مهمی داشته‌اند سبکتکین یکنفر غلام دیگر ترك بود. او دختر آلپتکین را به حبالهٔ نکاح خود در آورد و از این راه به مقام فرماندهی و سلطنت رسید. این شخص مبرز نامی حوزه محقر خویش را در اندک زمان از طرف غرب و شرق توسعه داد و از یک سمت راجپوت‌ها را شکست داد و پیشاور را بتصرف در آورد و از سمت دیگر چنانکه در ورق‌های گذشته این تالیف نوشته شد خراسان را در سال ۳۸۴ هجری از دست نوح پادشاه سامانی خارج کرد. این سردار شجاع ترك پس از چند بار جنگ و غلبه بر متفندان محلی حوزه قدرت خود را وسعت بخشید و بلغ را به پایتختی برگزید. پس از مرگ سبکتکین پسر بزرگش محمود به فرمانروائی دولت غزنویان رسید. سبکتکین در ایام بیماری

فرزند کوچک خود اسماعیل را بجانشینی برگزید ولی دوران پادشاهی او فقط ۷ ماه طول کشید، زیرا بزرگان و متنفذان محلی از اسماعیل اطاعت و تبعیت نمی‌کردند، محمود که در لشکر کشی فردلایقی بود از این وضع آشفته استفاده کرد و قوای خود را به غزنین برد و حکومت این ناحیه را بدست آورد و آنجا را پایتخت کرد، بهمین جهت سلسله غزنویان به غزنین (یکی از شهرهای افغانستان کنونی) منسوب است .

چنانکه در ورقهای گذشته این تألیف نوشته شد در ایامی که حکام خراسان بر ضد نوح قیام کرده بودند سبکتکین و محمود به یاری او برخاستند، سبکتکین را ناصرالدین و پسرش را سیف‌الدین لقب داد. موقعی که محمود غزنین را فتح کرد. منصور بن نوح سامانی محمود را از حکومت خراسان خلع کرد. محمود در آن موقع مخالفتی نکرد، ولی همینکه منصور کور شد. محمود نیروی خود را بجانب خراسان حرکت داد و در هنگامی که حکومت سامانیان از طرف قراخانیان مورد هجوم قرار گرفته بود از جنوب حمله کرد و خراسان را از تصرف آنها در آورد. محمود از شخصیت‌های مهم صحنه آسیای مرکزی در قرن پنجم هجری بشمار میرود وی دوازده بار به هندوستان لشکر کشید و این لشکر کشیها و نیز جوش و حرارتش تحت عنوان (برای اسلام لقب (بت شکن) را برای او تحصیل نمود .

اوضاع اجتماعی ایران در دوره حکومت محمود غزنوی

سلطان محمود بیشتر دوره حکومت سی ساله خویش را به لشکر کشی گذراند، هدف این لشکر کشیها نواحی شمالی هندوستان بود و به نام جهاد با هندوان

(بت پرست) و نشر اسلام صورت میگرفت. محمود دوازده یا هفده بار بدانصوب لشکر کشید و مرزهای نخستین متصرفات خود را توسعه داد. این جنگها بطور معمول با غارت بی سابقه نواحی تسخیر شده و حمل ثروتهای کلان به پایتخت (غزنه) و انتقال صدها هزار برده به آنجا توأم بود. ثروتهای غارت شده به محمود اجازه داد که شهر کوچک غزنه را به یکی از پایتخت‌های زیبا و درخشان آن عهد مبدل کند. این مطلب جالب توجه است که محمود تمایل زیادی به این داشت که از طرف خلیفه عباسی که رئیس مذهبی بشمار میرفت به رسمیت شناخته شود، بهمین جهت شرح فتوحات خود را با تحف و هدایای نفیس و گرانبهایی به عنوان پیشکش به بغداد میفرستاد و در عوض القایی به او اعطاء میشد که بی نهایت موجب خشنودی وی میگردد. علاوه بر این موضوع که جنبه فکری و تبلیغ مذهبی و ظاهر فریبی دارد بیشتر موفقیت‌های سلطان محمود مرهون سازمان نیروهای جنگی میباشد، لشکر غلامان ترك زر خریدمانند عهد خلفا و سامانیان هسته مرکزی و اساس نیروهای جنگی محمود را تشکیل میداد، ولی محمود برخلاف زمان گذشته توانسته بود نظم و نسق سختی را میان ایشان برقرار سازد. لشکر غلامان وسیله‌ای بود که محمود به یاری آن موفق به لشکر کشی‌های مظفرانه و وسیع گردد و در عین حال توده‌های مردم را در متصرفات وسیع خویش در حال اطاعت و انقیاد نگاهدارد.

محمود گذشته از لشکر غلامان ترك از داوطلبانی که به اصطلاح «غازی» یا مبارزان راه دین نامیده میشدند نیز بطور کامل بمنظور لشکر کشی‌های غارتگرانه و جهانگشایی‌های خویش استفاده میکرد. جلب عده‌ای کثیر از «غازیان» به نیروهای جنگی تنها جنبه نظامی نداشت بلکه در عین حال سیاست اجتماعی معینی بود که محمود تعقیب میکرد. دولت محمود با جلب روستائیان بی زمین

به صفوف غازیان و فریب ایشان به امید کسب ثروت از غنایم جنگی هندوستان که در واقع جز مشتی از خروار نصیب آنان نمی گشت می کوشید تناقضات طبقاتی را محو و نارضائی عامه مردم را تقلیل دهد نهضت غازیان میبایست کاریک مجرای انحرافی و دریچه اطمینان را انجام دهد و جدی ترین عناصر مردم استعمار شده زحمتکش شهر و روستا را منحرف کند و وارد مسیری که برای قدرت فتودالی سلطان محمود خطرناک نباشد برگرداند. غازیان پس از لشکر کشی در مرزهای نواحی تسخیر شده باقی ماندند، یا با اموال غمارت شده به میهن بازمی گشتند و شریک و انباز دستمزدهای مشروع میشدند. اما را جمع به عامهٔ مردم زحمتکش روستاها و شهرها کامیابیهای جنگی سلطان محمود و زرق و برق درباروی نه تنها وضع اینان را بهتر نمیکرد، بلکه دشوار تر میساخت. غنایم حاصله از لشکر کشیها هر قدر هم زیاد میبود هرگز نمیتوانست هزینههای هنگفت نگهداری و اشتهای روز افزون محافل درباری و سران نظامی و فتودال را جبران و ارضا کند. سنگینی بار مالیاتها افزایش یافت زیرا برای تدارک مقدمات تهاجم به هندوستان بطور دائم مالیاتهای فوق العاده گرفته میشد. حتی وقایع نگاران درباری هم ناگزیر نوشته اند که هنگام اخذ مالیات (رعایارا مانند گوسفندان پوست میکنند) مورخان مینویسند که بسیاری از روستاها و حتی نواحی خالی از سکنه شده. مجاری آبیاری و یران و متروک گشت و سبب این و قایع را فقط افزایش میزان خرج و سؤ استفاده ها و رشوه خوارها و سخت گیریهایی که ماموران هنگام وصول آن معمول میداشتند میتوان دانست. مطالبی که غیر قابل انکار میباشد اینست که در زمینه حیات سیاسی آن دوران، سلطان محمود بی شک از لحاظ نیرو و صفات ممتازة فرماندهی امیری جدی و شایسته و برجسته بود.

بایتخت‌زیبای دولت وی از همه جانب کاروانهای بازرگانان را جلب میکرد و صنعتگران چیره دست در آنجا هنرنمایی میکردند از تذکر این نکته نیز ناگزیریم که در دوران حکومت محمود پشیر فتهائی درزمینه فرهنگ و تمدن بدست آمد ، ولی درعین حال نباید در ارزیابی پدیده‌های مثبت مزبور زیاده روی کرد، زیرا که اینهمای ظاهر ساختمان دولت غزنویان در دوران شکفتگی و قدرت آن بود. درپشت این نمای فریبنده نارضائی عمیق مردم از شیوهٔ اداری که موجب فقر و بینوائی آنان شده بود، تضادهای حاد اجتماعی به نحو بسیار با رزی پنهان بود . چنانکه خواهیم دید ضعف اجتماعی شیوه حکومتی فاسد سلطان محمود مقتدر و طماع به زودی پس از مرگ وی در عهد پسرش مسعود ظاهر شد و اساس سلطنت تو خالی غزنویان در اندک زمان برباد داد .

اقدامات سیاسی سلطان محمود غزنوی در ایران

بطوریکه دیدیم در اواخر قرن چهارم هجری محمود غزنوی فرد شاخص عرصهٔ سیاست مشرق ایران محسوب میشد موقعی که قسمت ماوراء النهر از سر زمین سامانیان بدست قراختائیان افتاد محمود غزنوی بر آن شد که قسمتهای جنوبی رود جیحون را که تا آن زمان هنوز به عنوان والی در تصرف داشت به دولت خویش بیفزاید. در همین زمان حمله طاهر پسر خلف بن احمد فرمانروای سیستان به کوهستان و پوشنگ و متعاقب آن تصرف کرمان که بهاء الدوله دیلمی وی را دوباره از آنجا راند، به نبرد آشکاری میان پسر و پدر منجر گشت و طاهر یگانه فرزند خلف بن احمد سرانجام بدست پدر خویش به قتل رسید (یادرزندان مجبور به خودکشی گردید) (چهارم جمادی الاولی سال ۳۹۲ هجری) و در نتیجه

این عمل وضع خلف بن احمد ناپایدار و متزلزل گشت ، بطوری که محمود غزنوی توانست سرزمینی را که در اختیاری بود با موافقت ساکنانش بدون رنج و دشواری قابل اعتنائی تصرف کند و به قلمرو حکومت خود ملحق سازد قیامی هم که اندکی پس از آن بر ضد والی وی برپا شد نیز سرکوب گردید (ذی الحجه سال ۳۹۳ هجری) و سپس آن سرزمین بدست برادر این فاتح یعنی نصر که در نیشابور بود سپرده شد ۱

سلطان محمود به سبب اتحادش با ایلگ خان خود را از جانب شمال آسوده خاطر یافت و به همین جهت اقدامات نظامی خود را متوجه هندوستان کرد (از سال ۳۹۲ هجری) این اقدامات تمام قوای او را به غنایت مشغول ساخت ولی در مقابل نام محمود غزنوی نیز با تسخیر و مسلمان کردن (تا حد زیادی به اجبار) قسمت اعظم پنجاب ، زبان زد خاص و عام گردید . استقرار و تثبیت قطعی مذهب اسلام در هندوستان و در نتیجه تدارکات پایگاهی برای ازدیاد پیروان پیغامبر اسلام (ص) در این کشور از اعمال تاریخی محمود غزنوی به شمار میرود که تا امروز هم اثر آن باقی است .

برادر کشی در بین توکان

اگر چه سلطان محمود غزنوی میبایستی با این عمل بی شك به عنوان برجسته ترین مجاهد مذهبی زمان خود تلقی شده و طبق عقاید مسلمانان از حملات مسلمانان دیگر مصونیت داشته باشد ولی قرقلهای ترك که تازه به دین اسلام گرویده بودند به رهبری ایلگ خانهای خود از پیشروی به این سوی جیحون

۱ - زین الاخبار گردیزی صفحه ۶۳ و ۶۶ - عتبی ترجمه تاریخ یمنی صفحه های

(یعنی به سرزمین تحت تصرف سلطان محمود غزنوی) خود داری نکردند و بدین ترتیب افکار دینی ترک‌های متعصب و علاقمند به دین نیز دیگر با عملشان تطبیق نمی‌کرد. اما به همان میزانی که این پیکار داخلی دامنه دار مسلمانان برای دینداران واقعی آن زمان دردناک بود به همان اندازه نیز از این رو به سود پیشرفت و تکامل ایران اهمیت داشت، که برادر کشی در میان ملت ترك نیز راه یافت و سبب شد که از نفوذ و ورود خارج از حد ترک‌ها در داخل ایران جلوگیری گردد، در نتیجه ایران (برخلاف ماوراء النهر - ترکستان) بخصوص به علت مذکور همانطور که بود، یعنی به صورت يك کشور آریائی باقی ماند (۱)

سپاه غزنویان طبق دستور از مقابل حمله ترلق‌ها به جانب غزنه عقب نشست و هرات را تا بازگشت محمود از ملتان به دشمن وا گذاشت، محمود از غزنه به پادگان قراخانیان در بلخ حمله برد و پادگان بلخ تاب مقاومت نیاورد و از جیحون گذشت و به سوی ترند گریخت، در این حال اسلان ایلگک نیز ناگزیر به بازگشت شد و چون در ضمن راه در نتیجه حمله سپاه‌های غزهای ترك ضعیف شده بود از لشکریان غزنویان سخت شکست خورد و در اثر این تصرف خراسان برای سلطان محمود تامین گردید (۲) دفع حمله دوم اسلان ایگک و یکی از ملوک قراخانیان از ختن به نام قدرخان پسر بغراخان در سواحل جیحون (۲۲ ربیع الثانی سال ۳۹۸ هجری) نیز قطعیت وضع محمود غزنوی را در خراسان تثبیت کرد و به ویژه از این جهت که در این اوقات جنگ‌های برادر کشی قراخانیان شروع شده بود (۳) جنگ‌هایی که تازه با بر سر کار آمدن پادشاه سازه‌ای پایان یافت (۴۰۳ هجری)

۱ - تاریخ ایران در قرون نخستین اسلام تألیف برتولد اشپولر آلمانی ترجمه دکتر

جواد فلاطوری صفحه ۳۰۱

۲ - زمین‌الخبار گردیزی صفحه ۶۸ و کامل این اثر جلد نهم صفحه ۶۵

۳ - کامل این اثر جلد نهم صفحه ۷۶

بدر کرد مودمقتدر مغرب ایران

در روزهایی که وضع مشرق ایران در آرامش نسبی مسیر خود را طی میکرد و سلطان محمود غزنوی برای بار دوم متوجه هندوستان شده بود کشمکشهای قسمت غربی فلات ایران ادامه داشت و از این رو شدت مییافت که فرمانروای کردی بنام بدر پسر حسنویه بصورت عامل شایان توجهی در آمده بود ، بدر در سال ۳۹۶ هجری در البند نیجین (واقع در مشرق بغداد در سر حد جبال) سپاه بهاءالدوله دیلمی را شکست داد و در سال بعد تا دجله پیش رفت و در آنجا قلعه البردان را در شمال بغداد به تصرف در آورد. در این هنگام بهاءالدوله دیلمی ناگزیر به انجام اقدامات نظامی متقابل گردید ، اما سرداری (عمید الجیوش) که برای این کار وکالت و مأموریت تام یافته بود در گندی شاپور از ترس با این سردار کرد مقتدر یعنی بدر قرار داد مشارکه منعقد ساخت این قرارداد به بدر فرصت داد که اندکی بعد از آن در کشمکشهای خانوادگی آل بویه (دیلمیان) مداخله نماید یعنی در تحریکات با نویسنده خاتون (شیرین) نایب السلطنه در ری که دو پسرش مجدالدوله و شمسالدوله را به نوبت به عنوان حاکم منصوب نموده و به زندان انداخته بود شرکت جوید . بدر برای این منظور سپاهی در اختیار سیده خانون گذاشت اما نتوانست همدان را که سرانجام شمسالدوله به آنجا گریخته بود تصرف کند و خود را در قم پایدار سازد . در این موقع قدرت کردها در نتیجه اختلاف بدر با پسرش هلال بسیار ضعیف گردید ، زیرا بدر مادر هلال را هنگام تولدش ترك کرده و پسر دوم خویش ابو عیسی را بر وی برگزیده بود ، نتیجه این اختلاف چنین شد که سرانجام بدر بدست پسر خود هلال اسیر شد و ناگزیر گشت که قدرت خود را میان دو پسرش تقسیم کند . ولی پس از آنکه از اسارت رهایی یافت و خواست از تعهد خود

سرباز زند دو باره نزاع اتفاق افتاد ، در ضمن این کشمکش ابوعیسی بدست برادرش هلال به هلاکت رسید . و هلال نیز خود به اسارت بهاءالدوله دیلمی که به آنان حمله نموده بود افتاد و سپس مورد عفو واقع شد (۱) و منطقه حکمرانی وی بتصرف فاتحی که در این هنگام موقع و وضع بهتری در برابر پدر اسیر مذکور (هلال داشت در آمد . در رجب سال ۴۰۴ هجری نوه بدر یعنی طاهر بن هلال برای استیلا بر شهر زور بر ضد خویشاوندان خود پیکاری بر پا کرد و خود بدر نیز اندکی پس از آن در اثنای محاصره قلعه کردی (حصن کوسجد) بدست امیران خویش به قتل رسید (۴۰۵ هجری) زیرا وی بر خلاف میل و نظرایشان میخواست در زمستان بجنگند . قاتلان بدر به فخرالدوله دیلمی پیوستند و بسیاری از سایر اعضای این خاندان بر سر میراث بدر بایکدیگر به نزاع برخاستند ، هلال نیز در این موقع آزاد شد ولی در ذیحجه سال ۴۰۵ هجری در جنگی از پا در آمد و نتیجه خطر وحشت زای تشکیل دولتی از طرف کردها (برای خلافت عباسیان و همچنین دولت غزنویان که در حال توسعه بود و دولت آل بویه (دیلمیان) که رو به زوال میرفت) از میان برداشته شد . (بقیه در شماره آینده)

در حدود قرن ششم ق . م فلاسفه و متفکرین عقلانی یونان از دایره اوهام و تصورات شعریه آن دو شاعر قدمی فراتر نهادند و دیگر در برابر خدایان مجسم مصور بصورت انسانی سر تسلیم فرو نیاوردند . سقراط پدر فلسفه در آتن خلق را بمعنویات دعوت کرد و پس از او شاگردش افلاطون و پس از او ارسطو ، آنان حکماء الهی روحی بودند که خلق را بتفکر در فلسفه متافزیک (مافوق الطبیعه) راهنمایی کردند .

(تاریخ ادیان)